

## زندگی‌نامه‌ی کوتاه پیوتر پتروویچ بولاخوف

زمان زایش: ۲ دسامبر ۱۸۲۲  
 مکان زایش: کوسکووا نزدیک مسکو، امپراتوری روسیه  
 زمان مرگ: ۲ دسامبر ۱۸۸۵ (۶۳ سال)



روزنامه «تازه‌های کلانتری شهری مسکو» (۱۸۵۵) به آگاهی رساند که، «...درآیش [استعداد] او هر روز افزایش پیدا می‌کند، و، گویا، آقای بولاخوف باید برای ما صددرصد جایگزین آهنگ‌ساز فراموش‌نشده‌ی رمانس‌های ما -وارلاموف- شود. در بخش آگهی‌های مرگ در روزنامه «چشم‌انداز موسیقیایی» آورده شده بود که، «۲۰ ماه نوامبر در روستای کوسکووا‌ی گراف شه‌رمه‌تف، نزدیک مسکو، سازنده‌ی نامدار بسیاری از رمانس‌ها و آموزگار پیشین آواز، پیوتر پتروویچ بولاخوف از دنیا رفت» (۱۸۸۵).

زندگی و هنر آفرینش‌گرانه «سازنده‌ی نامدار بسیاری از رمانس‌ها»، که از نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم تا به امروز، پرآوازه‌اند، تاکنون بررسی نشده. آهنگ‌ساز و آموزگار آواز، بولاخوف در زمره‌ی دودمان هنری سرفراز، که هسته‌ی آن را پدر پیوتر آلکساندروویچ و پسران او، پیوتر و پاول ساخته بودند، جای داشت. پیوتر آلکساندروویچ و پسر کوچک او پاول پتروویچ خوانندگان نام‌دار نمایش آوازی، «نخستین خوانندگان با آوای زیر مردانه [تنور]، به‌شمار می‌آمدند؛ پدر در مسکو و پسر در پترزبورگ. و از آنجایی که هر دوی آنها رمانس نیز می‌نوشتند، به‌هنگام هم‌خوانی نشانه‌های نوشتاری نام و نام خانوادگی آنها با یک‌دیگر جابه‌جا می‌شد و با گذشت زمان، به‌ویژه نزد برادرها -پیوتر پتروویچ و پاول پتروویچ- در این جستار که کدام رمانس از آن چه کسی است، سردرگمی پیش می‌آمد.

نام خانوادگی بولاخوف در ابتدا با کوبش بر روی سیلاب نخست، ب‌ا‌و ل‌ا‌خ‌و‌ف به‌زبان آورده می‌شد، که سروده‌ی س. گلینکای سرایش‌گر «برای پیوتر آلکساندروویچ بولاخوف» که در آن از توانایی و استادی هنرمند سرافراز ستایش می‌شود، بر درست بودن این جستار گواهی می‌کند:

ب‌ا‌و بولاخوف! تو می‌شناسی راز دل،  
 از آن، بیرون‌کشی  
 آوایی شیرین، از ژرفای دل.

نوه‌ی دختری پیوتر پتروویچ بولاخوف، ن. ایزبرویوا، و همچنین تاریخ موسیقی‌شناسان شوروی، آ. آسوسوسکی و ب. شتاین‌پرس بر درستی چنین گفته‌ای اشاره کرده‌اند.

پیوتر بولاخوف پدر یکی از بهترین خوانندگان روسیه‌ی سال‌های ۲۰ سده‌ی نوزدهم به‌شمار می‌آمد. ف. گنی به‌یاد می‌آورد «...او، ماهرتین و آموزش‌دیده‌ترین خواننده بود، که پهنه‌ی اجرایی روسیه به خود دیده بود؛ خواننده‌ای که ایتالیایی‌ها درباره‌ی او می‌گفتند، که اگر او در ایتالیا به‌دنیا می‌آمد و بر روی پهنه‌های اجرایی میلان یا ونیز برنامه اجرا می‌کرد، همه‌ی پرآوازان تا زمان خود را به‌دست فراموشی می‌سپرد». استادی کارشناسانه‌ی والای ویژه‌ی او، به‌ویژه در اجرای آوازهای روسی، با گرمی دل

او درهم می‌آمیخت. او هنبارکننده همیشه نمایش‌های آوازی دُویلی آ. آلیابیف و آ. ورستووسکی، نخستین اجراکننده بسیاری از ساخته‌ها، نخستین اجراکننده «کانتات» پرآوازه ورستووسکی «شال سیاه» و «شباهنگ [بلبل]» سرافراز آلیابیف به‌شمار می‌آمد.

پیوتر پتروویچ بولاخوف در سال ۱۸۲۲ در مسکو به دنیا آمد، که با آنچه که بر روی سنگ آرام‌گاه او در گورستان واگانسک، (سال ۱۸۲۰) نقش بسته، ناهمخوان است. گواهی اندکی درباره زندگی او، که ما از آن آگاهیم، نگاره‌های سنگین و ناشادانه از زندگی او نشان می‌دهد؛ پیچیدگی‌های زندگی خانوادگی - آهنگ‌ساز با یلیزاوتا پاولوونا [زیرویوا] بدون پیمان زن و شوهری [زندگی می‌کرد، زیرا شوهر نخست یلیزاوتا از جدا شدن از او خودداری می‌کرد- هم‌راه بیماری دیرپای سخت رو به پیشرفت. دختر او یوگنیا به یاد می‌آورد «زنجر شده به صندلی چرخ‌دار، زمین‌گیر شده، خاموش، درخود فرو رفته بود»، در زمان فرتابی [الهام]، او به نوشتن موسیقی ادامه می‌داد: «گه‌گاه، هرچند کم، پدر به گونه‌ای به سوی پیانوی رویال رفته و با دست تندرست خود چیزی را می‌نواخت، و این دم‌ها [دقیقه‌ها] برای من همواره گران‌بها به‌شمار می‌آمدند». در سال‌های ۷۰ سده نوزدهم خانواده دچار بدبختی بزرگی شد: زمانی در زمستان، نزدیک به شام‌گهان، آتش خانه‌ای را که آنها در آن زندگی می‌کردند، با هر چیزی که در آن بود، همچنین صندوق با دست‌نوشته‌های ساخته‌های هنوز چاپ‌نشده بولاخوف را از میان برد. ی. زیرویوا در یادمانده‌های خود نوشت «... هنرآموزان پدرم، پدر بیمار و خواهر پنج ساله کوچک را بیرون کشیدند». سال‌های پایانی را آهنگ‌ساز در زمین‌های گراف س. گف شیره‌مه‌تف در کوسکووا، در کلبه‌ای، که در پیرامون هنری، «خانه ییلاق بولاخوف» نامیده می‌شد، گذراند و در این‌جا نیز از دنیا رفت. آموزشگاه والای موسیقی مسکو، که در آن سال‌ها به سرپرستی ن. روبینشتاین بود، آهنگ‌ساز را به خاک سپرد.

روی‌گردان [بی‌اعتنا] به سختی‌ها و بی‌بهرگی‌ها، زندگی بولاخوف سرشار از شادی هنر آفرینش‌گرانه و هم‌زیستی دوستانه با بسیاری از کنش‌گران برجسته هنر بود. ن. روبینشتاین، پشتیبانان نام‌دار، پ. ترتیاکوف، س. مامونوف، س. شیره‌مه‌تف و دیگران در میان آنان دیده می‌شدند. نام‌داری رمانس‌ها و ترانه‌های بولاخوف تا اندازه بسیاری به‌خاطر گیرندگی آهنگین و بیان بزرگوارانه ساده بود. آهنگ‌های ویژه آواز شهری روسی و رمانس کولی‌گونه در آنها با چرخش‌های ویژه برای نمایش آوازی ایتالیایی و فرانسوی تنیده شده‌اند؛ وزن‌های وشکنک، ویژه برای آوازهای روسی و کولی‌ها، با وزن‌های دارای کاربرد بسیار در پولونز و والس در آن دوران همسایه‌اند. گلایه «بیدار مکن یاد را» و رمانس سرایش‌گرانه در وزن پولونز «گوری، گوری، ستاره من»، رمانس‌ها به سبک آوازهای کولی‌وار روسی «ترویکا» و «نمی‌خواهم» تا به امروز پرآوازه‌اند!

اما بر همه هنر آفرینش‌گرانه آوازی بولاخوف، سرشت والس فرمانروایی می‌کند. گلایه «دیدار»، رمانس سرایش‌گرانه «من ترا با گذشت سال‌ها از یاد نبرده‌ام»، سرشار از چرخش‌های والس‌اند. وزن‌های والس در بهترین ساخته‌های آهنگ-ساز رخنه می‌کنند، از آن شمار می‌توان از «و در جهان چنین چشم‌هایی باشند نیستند»، «نه، من شما را دوست ندارم!»، «چشم‌های بسیار زیبا»، «در راه دهکده بزرگ» و ساخته‌های دیگر که تا به امروزه پرآوازه‌اند، یاد کرد.

شمار همگانی ساخته‌های آوازی پ. پ. بولاخوف تا کنون ناشناخته مانده. این، هم در پیوند با سرنوشت اندوهگین بسیاری از ساخته‌های او است که به‌هنگام آتش‌سوزی از بین رفتند، و هم با مشکل‌های روشن‌سازی ساخته‌های پیوتر و پاول بولاخوف است. اما بی‌گمان رمانس‌هایی هستند که نوشته پ. پ. بولاخوف‌اند، و درآیش [احساس] نازک گفتار سرایش‌گرانه و توانایی آهنگین سرشار آهنگ‌ساز-یکی از درخشان‌ترین نمایندگان رمانس زندگی روزمره روسی نیمه دوم سده نوزدهم- بر آن گواهی می‌کند.

## کودکی و نوجوانی

پیوتر برپایه بسیاری از سرچشمه‌های پذیرفته شده [رسمی] در امپراتوری روسیه در شهر مسکو و در سال ۱۸۲۲ به دنیا آمد. اما بر روی سنگ آرام‌گاه او در گورستان واگانسک، سال زایش آهنگ‌ساز، سال ۱۸۲۰ کنده‌کاری شده. خانواده پیوتر خانواده‌ای موسیقایی به‌شمار می‌آمد و پسر در پیرامون هنری آفرینش‌گرانه بزرگ شد. مهر به موسیقی از دوران کودکی در او پدیدار شد.

پدر او پیوتر آلکساندروویچ و برادر کوچک‌تر، پاول پتروویچ خوانندگان تنور [آوای زیر مردانه] نام‌دار بوده و در گروه آوازی می‌خواندند. درست از این‌روی بود که پیوتر بولاخوف در نوجوانی در خانه، موسیقی می‌آموخت. پدر او همچون خواننده‌ی سینه‌ای پر بار در نمایش آوازی مسکو، و برادرش، خواننده‌ی تنور نرم در نمایش آوازی پتربورگ به‌شمار می‌آمد. آنها همچنین در خانه، بیشتر زمان‌ها رمانس‌هایی می‌ساختند. مادر پیوتر، ورا پتروونا نام داشت.



پیوتر بولاخوف

## زندگی‌نامه‌ی کوتاه پیوتر پتروویچ بولاخوف

پیوتر بولاخوف دارای زندگی پیچیده، اما بسیار سرشاری بود:

داده‌ها درباره‌ی زندگی پیوتر بولاخوف گواهی بر زندگی دشوار او هستند. او، بیشتر آرام و اندوه‌ناک، به‌هرگونه در تلاش بود تا زندگی را معنادار کند. بخش بزرگی از زندگی پیوتر در رنج بیماری سخت می‌گذشت، زمین‌گیر و بسته به صندلی چرخ-دار بود. بیماری ادامه‌دار، نیروی او را می‌ریخت. اما روی‌گردان [بی‌اعتنا] از این، او با کوشایی سرگرم کار آواز بوده، و به آموزش آن می‌پرداخت. کار دوست‌داشتنی نمی‌گذاشت تا آهنگ‌ساز دلتنگ شود، او بارها به شب‌نشینی‌های آوازی، که در آنها هواداران بسیاری گرد می‌آمدند، فراخوانده [دعوت] می‌شد. چنین شب‌نشینی‌های هنری آفرینش‌گرانه به او انگیزه زندگی کردن و ساختن موسیقی بخشیده، او را ناچار می‌ساختند تا امید به بهتر شدن پیدا کند. درست از این‌روی، آفریده‌ی موسیقیایی او، این‌چنین زنده و به‌یادماندنی از آب درمی‌آمد. رمانس‌ها ساده بوده و به روان‌هر شنونده رخنه می‌کردند.

پیوتر در خانه نزد بهترین خوانندگان آموزش دید. پدر او پیوتر آلکساندروویچ بولاخوف بیشتر زمان‌ها با او کار می‌کرد. پدر او خواننده‌ی آموزش‌دیده و هنرآگاهی بود، که پهنه‌ی اجرایی روسیه تا آن‌زمان به‌خود دیده بود. گذشته از آن، پدر را در ایتالیا می‌پرستیدند، زیرا ساخته‌های او از ساخته‌های آهنگ‌سازان نامدار بومی، پرآوازه‌تر بودند. استادی والای او همراه با گرمی و سادگی او نزد هوادارانش شگفتی‌برانگیز بود. او هموند همیشه‌ی نمایش‌های آوازی مسکویی به‌سرپرستی آلیا پیف و ورستووسکی، و همچنین نخستین اجراکننده‌ی بسیاری از ساخته‌های آنان، و در میان آنان کانتات ورستووسکی «شال سیاه» و «شاهنگ» آلیا پیف به‌شمار می‌آمد.

پیوتر بولاخوف، یوگنیا ایزبرویوای فریبنده را به زنی گرفت. این پیوند زن و شوهری به پیوندی کلیسایی، بلکه پیمانی شهروندی به‌شمار می‌آمد. بنابر بن‌چاک‌ها [اسناد]، از دید هوده [قانون]، یوگنیا ایزبرویوای نمی‌توانست از نام خانوادگی شوهر خود به‌جای نام خانوادگی خویش استفاده کند.

پیوتر بولاخوف در پیرامون خود هنردوستان آفرینش‌گر را گردآورده بود و با آدم‌های پیشروی هنری همچون روبینشتاین، ترتیاکوف و مامونتوف رفت‌وآمد می‌کرد. هنردوستان و هنرمندان به بولاخوف برای آفرینش ساخته‌های ویژه، فرتاب [الهام] می‌بخشیدند. سرانجام این دیدارها، پدیدار شونده‌ی پرآوازه‌ترین رمانس‌های او - «سه‌تایی [ترویکا]» بر روی سروده‌های پیوتر ویاژمسکی، «در راه دهکده‌ی بزرگ»، «گوری، گوری، ستاره‌ی من»، «یاد را بیدار مکن»، «نه، من ترا این-چنین آتشین دوست ندارم»- هستند. رمانس‌ها، با سادگی اجرا و آهنگین‌داری ناروزمره [نامعمولی] ستایش می‌شدند.

ملودی‌های آوازی روسی در رمانس‌های پیوتر با جستارهای موسیقایی ایتالیایی و نمایش آوازی فرانسوی آمیخته می‌شوند. اما بیشتر رمانس‌ها دارای چرخش‌های والسی‌اند - گلابیه «دیدار» و رمانس «من ترا با گذشت زمان از یاد نبرده‌ام».

سال ۱۸۵۵ درباره‌ی پیوتر بولاخوف در روزنامه‌ی کلانتری شهری مسکو از بولاخوف، همسنگ با دیگر آهنگ‌ساز از یادرفتنی شناخته شده و درباره‌ی هنر آفرینش‌گرانه‌ی شگفت‌انگیز او یاد شده است. و نیز نوشته شده که سروده‌ی گلینکا «برای پیوتر آلکساندروویچ بولاخوف»، از توانایی آن هنرمند، گواهی می‌کند.

۲۶ ماه دسامبر سال ۱۸۶۷ دختر او یوگنیا به دنیا می‌آید. سال‌های ۱۸۷۰ در خانواده‌ی بولاخوف‌ها رویدادی ناگوار رخ داد. خانه‌ی خانواده که در آن همه‌ی چیزهای گرانبه‌ای آهنگ‌ساز از دست‌نوشته‌ها گرفته تا ساخته‌های هنوز چاپ نشده، نگاه‌داشته می‌شد، آتش گرفت. پیوتر بیمار و دختر پنج‌ساله را هنرآموزان او نجات دادند.

شمار همگانی ساخته‌های آوازی پ. پ. بولاخوف تا کنون ناشناخته مانده. این، هم در پیوند با سرنوشت اندوه‌گین بسیاری از ساخته‌های او است که هنگام آتش‌سوزی از بین رفتند، و هم در پیوند با مشکل جداسازی ساخته‌های پیوتر و پاول بولاخوف و همچنین پدر آنها است، زیرا همه‌ی آنها با یک نام، رمانس‌های خود را دستینه می‌کردند.

چند سال پایانی را بولاخوف در **دارایی‌های [زمین‌های] گراف شیره‌مه‌تِف** در روستای **کوسکووا** گذراند. شیره‌مه‌تِف ساخته‌های بولاخوف را می‌پرستید و زمانی که او خانه‌ی خود را از دست داد، از این که می‌تواند به دوست خود کمک کند، شاد بود. در روستای کوسکووا، آهنگ‌ساز بزرگ، دیگر هیچ ساخته‌ی موسیقایی تازه نیافرید، بلکه از شب‌نشینی‌های خانوادگی شاد بود، که بارها هواداران برای شنیدن رمانس‌های دوست‌داشتنی او، که آینه تمام‌نمای روح او است، فراخوانده می‌شدند. کلبه‌ای که دیرتر نام «**خانه‌ی ییلاقی بولاخوف**» به آن داده شد، جای دوست‌داشتنی آهنگ‌ساز به‌شمار می‌آمد.

۲ ماه دسامبر سال ۱۸۸۵ پیوتر بولاخوف در ۶۳ سالگی در یکی از خانه‌های اربابی شیره‌مه‌تِف از دنیا رفت. خانواده پولی برای به‌خاک‌سپاری آهنگ‌ساز بزرگ نداشت. پیوتر بولاخوف در **بخش شماره ۲۳ گورستان واگانکووسک** در مسکو به‌خاک سپارده شد. آموزشگاه والای موسیقی مسکو به‌سرپرستی روبینشتاین آیین خاک‌سپاری را سازمان‌دهی کرد. با گذشت زمان آرام‌گاه پیوتر بولاخوف رو به ویرانی گذاشت. پیدا کردن آرام‌گاه او بسیار مشکل بود. نگاره‌های چاپی [عکس] که از زمان‌های دور در بایگانی نگاه‌داری می‌شد، به کاوش آن کمک کردند.



آرام‌گاه پیوتر بولاخوف در گورستان واگانکووسک  
زندگی خودی [شخصی]

پیوتر بولاخوف دارای همسری بدون پیوند زن و شوهری، به نام **یلیزاوتا پاولوونا** **زیرویا** بود. زن او از آنجایی که شوهرش نمی‌توانست صددرصد از توانایی‌های بدنی خود بهره‌برد و بیشتر بدون جنبش [بی‌حرکت] بود، هم به کارهای خانه و هم به کارهای خانواده رسیدگی می‌کرد. گذشته از آن، خانواده از نگاه پولی در جایگاه بسیار سختی قرار داشت.

زن و شوهر نمی‌توانستند به‌گونه‌ی هوده‌ای [قانونی] پیمان زن و شوهری ببندند، زیرا شوهر پیشین یلیزاوتا پاولوونا، سرهنگ ایوان **زیرویف** نمی‌خواست پیمان زن و شوهری خود را بی‌هوده [باطل] سازد. بنابر هوده‌های سده نوزدهم، پیمان‌های زن و شوهری میهنی از سوی کلیسا پذیرفته و نیز از سوی آن بی‌هوده نمی‌شدند. از دید هوده [قانون] چنین پیمان زن و شوهری باشنده نبود [وجود نداشت]. اما زن و شوهر با پشتیبانی از هم در هیچ چیزی از یکدیگر جدا نشده و در تلاش بودند تا مشکل‌های بروزکننده را با یاری هم‌گره‌گشایی کنند.

در این خانواده دو دختر زاده شدند. یکی از دخترها، **یوگنیا**، خواننده کامیاب نمایش آوازی شد. زایش دخترها بدون هوده [ناقانونی] به‌شمار می‌آمد زیرا پیوند زن و شوهری را نمی‌شد هوده ای کرد. در پیوند با این، هر دو دختر نمی‌توانستند نام پدر و همچنین نام خانوادگی او را به‌کار برند. **زیرویف** که بر روی برگ، همسر هوده‌ای یلیزاوتا پاولوونا باقی مانده بود، پدر رسمی آنها به‌شمار می‌آمد.



یوگنیا ایوانوونا **زیرویف**، دختر آهنگ‌ساز

## ردپا در فرهنگ

پیوتر بولاخوف **ردپای پاک‌نشدنی** در فرهنگ موسیقی برجای گذاشت. بسیاری چیزها درباره زندگی او ناآشکارند و بنابر گفته‌های دختر او یوگنیا **زیرویف**، که خواننده بزرگ نمایش آوازی شد، بازسازی شده. آفریده‌های موسیقایی آهنگ‌ساز ارزش خود را تا به امروز از دست نداده‌اند. امروزه رمانس‌های او شنیده می‌شوند و از خواننده بزرگ تنور یاد می‌کنند. رمانس‌ها در برنامه اجرایی بسیاری از اجراکنندگان دوران ما گنجانده شده، برخی از آنان دچار کارکرد موسیقایی شده‌اند. آفریده‌های موسیقایی او به‌خاطر آهنگین بودن و رخنه باریک‌بینانه بسیاری از آنان، که از درایش [استعداد] بسیار آهنگ‌ساز نیمه دوم سده نوزدهم گواهی می‌کند، طنین‌اندازند.

برگردان از زبان روسی به زبان پارسی از یکی از برگ‌های اینترنتی روسی درباره آهنگ‌ساز و گزینش نگاره‌ها از بابک بردیا (آهنگ‌ساز، پروفیسور [استاد] رشته‌های دانش همگانی [تئوری] موسیقی، ماستر [استاد] هنرهای زیبا، نوازنده پیانو و آموزگار در این رشته‌ها)